شماره هـ/ ۱۲۷۴/۹۰ ۱۳۹۳/۱۰/۰۶
تاریخ دادنامه: ۱۳۹۳/۹/۲۰ شماره دادنامه: ۱۴۰۳ کلاسه پرونده: ۹۳۷۴/۹۰
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکی: شرکت دیباگار آریا
موضوع شکایت و خواسته: ابطال دستورالعملهای شماره۵۱۱ـ۱۴۷ و ۱۴۸ـ۸۸ـ م (ابلاغ شده به شماره ۲۳۲/۲۹۳/۳۰۵۴۵ـ۱۳۸۸/۳/۱۸) و ۱۴۷ـ۵۳۳ و ۱۴۸ـ۸۸ـ م (ابلاغ شده به شماره ۷۰۷۹۳ـ۱۳۸۸/۱۰/۲۹) سازمان امور مالیاتی کشور
گردش کار: شرکت دیبا نگار آریا به موجب دادخواستی ابطال دستورالعملهای شماره ۵۱۱ـ۱۴۷ و ۱۴۸ـ۸۸ـ م (ابلاغ شده به شماره ۲۳۲/۲۹۳/۳۰۵۴۵ـ۱۳۸۸/۳/۱۸) و ۱۴۷ـ۵۳۳ و ۱۴۸ـ۸۸ـ م (ابلاغ شده به شماره ۷۰۷۹۳ـ۱۳۸۸/۱۰/۲۹) سازمان امور مالیاتی کشور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:
«با عنایت به عدم موافقت با درخواست این شرکت ضمن اعلام اعتراض به رأی صادره شده موارد ذیل را به استحضار می‌رساند: اداره امور مالیاتی شهرستان دلیجان در رسیدگی به عملکرد سال مالی ۱۳۸۸ این شرکت به گستاه بخشنامه‌های شماره ۵۳۳ـ۱۴۷ و ۱۴۸ـ ۸۸ـ م و ۵۱۱ـ ۱۴۷ و ۱۴۸ـ ۸۸ـ م ضمن اخذ کلیه برگ تشخیص دوبابتی و به لحاظ عدم ثبت پیش‌فاکتورهای تسلیمی به سیستم بانکی در حسابهای عملکرد سال مالی یاد شده در سرفصلهای موجودیها یا داراییهای ثابت اقدام به رد دفاتر قانونی شرکت کرده است.
با عنایت به این که ارائه پیش‌فاکتور به سیستم بانکی صرفاً به لحاظ انعقاد قراردادهای مشارکت مدنی با فروش اقساطی یا... که بر اساس قراردادهای معتود اسلامی است و به منظور تکمیل پرونده تسهیلاتی بوده و هیچ گونه معامله‌ای بر اساس پیش‌فاکتورهای یاد شده صورت نپذیرفته و از سوی دیگر انعقاد قراردادهای تسهیلاتی در این سال عمدتاً به لحاظ عدم وجود نقدینگی در بخش تولید و صنعت و به منظور جلوگیری از پرداخت ۶٪ جرایم تأخیر در پرداخت اقساط صرفاً این شرکت ضمن استمهال اقدام به تمدید تسهیلات بانکی سنوات گذشته کرده است و وجه جدیدی بابت تسهیلات دریافت نکرده است طبیعی است که امکان ثبت پیش‌فاکتورهای یاد شده از لحاظ استانداردهای حسابداری در سرفصل داراییها میسر نیست.
لذا استدعا می‌نماید ضمن بررسی موضوع دستور فرمایید نسبت به ابطال بخشنامه‌های یاد شده سازمان امور مالیاتی و رأی صادرشده هیأت ماده۲۵۱ مکرر قناء لازم مبذول نمایند.»

متن دستورالعملهای مورد اعتراض به شرح زیر است:
دستورالعمل شماره ۲۳۲/۲۹۳/۳۰۵۴۵ـ۱۳۸۸/۳/۱۸:
«دستورالعمل رسیدگی به تسهیلات مالی دریافتی، سود و کارمزد پرداختی
شماره: ۲۳۲/۲۹۳/۳۰۵۴۵
تاریخ: ۱۳۸۸/۳/۱۸

دستورالعمل

۵۱۱	۱۴۷ و ۱۴۸	۸۸	م

مخاطبین اذی‌ربط	ادارات کل امور مالیاتی امور مالیاتی شهر و استان تهران
موضوع	دستورالعمل رسیدگی به تسهیلات مالی دریافتی، سود و کارمزد پرداختی

به منظور ایجاد وحدت رویه در رسیدگی به حساب تسهیلات مالی دریافتی و هزینه سود و کارمزد پرداختی مقرر می‌دارد: مأموران مالیاتی در رسیدگی به حسابهای مذکور موارد زیر را دقیقاً مدنظر قرار داده و مطابق آن اقدام نمایند:
۱ـ فهرست کامل تسهیلات مالی دریافتی از اشخاص، بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری به شرح فرم پیوست ۱ مادی اخذ گردد. ۲ـ با توجه به مقررات تبصره ۱ ماده ۱۸۶ قانون مالیاتهای مستقیم و آیین‌نامه اجرایی مربوط، رعایت مفاد تبصره و آیین‌نامه در خصوص گونه‌ی موضوع تبصره مذکور بررسی و در فرم پیوست درج گردد. ۳ـ تسهیلات مالی دریافتی را با قرارداد منعقده (تحت عناوین تسهیلات مالی عقود اسلامی و یا فاینانس تأمین مالی و غیره) از جهت میزان تسهیلات، مدت بازپرداخت، سود وکارمزد و سایر شرایط مطابقت گردد. ۴ـ با توجه به مقررات ماده ۱۴۷و۱۴۸ قانون مالیاتهای مستقیم بررسی نمایید تسهیلات دریافتی در جهت انجام عملیات مؤسسه مصرف گردیده باشد. در غیر این صورت موارد مصرف را به کارگیری مبالغ تسهیلات را دقیقاً ردیابی و در فرم مربوطه درج نمایید. ۵ـ در مواردی که تسهیلات مذکور در جهت عضویت مؤسسه به کار گرفته نمی‌شود در این صورت هزینه تسهیلات از بحث مالیاتی جزء هزینه‌های قابل قبول محسوب نمی‌شود. ۶ـ چنانچه تسهیلات مالی دریافتی در قبالیتهای معاف از مالیات و یا مشمول مالیات مقطوع (به استثنای املاک و حق واگذاری مثل که به عنوان دارایی‌های ثبت یا دارایی نامشهود مؤسسه می‌باشد مصرف می‌شود در این صورت هزینه سرمایه مذکور مربوط به بخش منابع معاف یا مشمول مالیات مقطوع حسب مورد بوده و قابل کسر از درآمد مشمول مالیات نخواهد بود. ۷ـ طبق بند ۱۸ ماده ۱۴۸ قانون مالیاتهای مستقیم مورد و کارمزدی که برای انجام دادن عملیات مؤسسه به بانکها، صندوق تعاون و همچنین مؤسسه اعتباری غیربانکی مجاز (دارای مجوز فعالیت مالی و اعتباری از بانک مرکزی) یا پرداخت یا تخصیص یافته باشد به عنوان هزینه قابل قبول می‌باشد بنابراین با توجه به فهرست اطلاعات دریافتی به شرح بند یک فوق و قراردادهای مربوط هزینه تسهیلات مالی دریافتی از سایر اشخاص و مؤسسات اعتباری غیربانکی که دارای مجوز فعالیت از بانک مرکزی نمی‌باشند به عنوان هزینه قابل قبول محسوب نخواهد شد. ۸ـ در صورتی که مؤدیان مالیاتی از محل تسهیلات دریافتی به سایر اشخاص از جمله شرکاء سهامداران، مدیران و اشخاص وابسته موضوع ماده ۱۲۹ قانون تجارت وجوهی به عنوان وام، قرض و یا به هر عنوان دیگر پرداخت نمایند، هزینه تأمین مالی مربوط به تناسب مبلغ پرداختی مذکور، به عنوان هزینه قابل قبول محسوب نخواهد شد. ۹ـ در صورت اخذ تسهیلات مالی از اشخاص غیراز موارد مصرح در بند ۱۸ ماده ۱۴۸ قانون مالیاتهای مستقیم اطلاعات مربوط به دریافت‌کنندگان سود و کارمزد پرداختی را به اداره امور مالیاتی ذی‌ربط جهت پیگیری وصول مالیات از درآمد مذکور و ثبت آن در دفاتر دریافت‌کنندگان ارسال نمایید. ۱۰ـ طبق استانداردهای آن بخش از مخارج تأمین مالی که مستقیماً قابل انتساب به تحصیل یا ساخت یک دارایی و همچنین هزینه‌های مالی مربوط به قبل از بهره‌برداری دارایی، با توجه به سایر شروط استاندارد حسابداری مربوط باید به عنوان بخشی از بهای تمام شده دارایی محسوب شود. بنابراین بررسی گردد در مواردی که تسهیلات مذکور برای خرید یا ساخت یک دارایی خاص اخذ گردیده است کل هزینه‌های تأمین مالی مربوط به عنوان بخشی از بهای تمام شده آن دارایی منظور شده باشد. ۱۱ـ در صورتی که اشخاص دارای سود حاصل از حسابهای پس‌انداز و سپرده‌های مختلف نزد بانکهای خرابی یا مؤسسات اعتباری غیربانکی مجاز باشند در این صورت هزینه تسهیلات مالی دریافتی از بانکها صندوق تعاون و همچنین مؤسسه اعتباری غیربانکی مجاز مشمول و کارمزد پرداختی به غیراز بانکها صندوق تعاون و مؤسسات اعتباری غیربانکی مجاز مشمول مقررات ماده ۱۰۴ قانون مالیاتهای مستقیم می‌باشد. رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور

دستورالعمل شماره ۷۰۷۹۳ـ۱۳۸۸/۱۰/۲۹:
«رسیدگی به تسهیلات دریافتی، سود و کارمزد پرداختی
شماره: ۷۰۷۹۳
تاریخ: ۱۳۸۸/۱۰/۲۹

دستورالعمل

۵۲۳	۱۴۷ و ۱۴۸	۸۸	م

مخاطبین‌ذی نفعان	امور مالیاتی شهر تهران امور مالیاتی استان تهران اداره کل امور مالیاتی استان ...
موضوع	رسیدگی به تسهیلات دریافتی، سود و کارمزد پرداختی

پیرو دستورالعمل شماره ۲۳۲/۲۹۳/۳۰۵۴۵ـ ۱۳۸۸/۳/۱۸ موضوع رسیدگی به تسهیلات دریافتی، سود و کارمزد پرداختی و با توجه به ابهامات ایجاد شده در خصوص بند ۱۰ دستورالعمل فوق بدین وسیله اعلام می‌دارد: همان گونه که در مطلع این بند نیز بدان اشاره شده است منظور از هزینه‌های تأمین مالی قابل اختصاص به عنوان بخشی از بهای تمام شده دارایی، آن قسمت از هزینه‌های مالی است که با توجه به استاندارد حسابداری شماره ۱۲ قابل محاسبه و تخصیص به بهای تمام شده دارایی می‌باشد. بدیهی است در خصوص محاسبه میزان هزینه‌های مالی قابل قبول از لحاظ مالیاتی می باید کلیه شرایط مقرر قانونی قرار گیرد.
ـ رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور

تاریخ اجراء از تاریخ ابلاغ	مدت اجراء: مطابق دستورالعمل	مرجع ناظر: دادستانی انتظامی مالیاتی	نحوه ابلاغ: فیزیکی

شاکی به موجب لایحه تکمیلی و در پاسخ به اخطار رفع نقصی که از سوی دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای وی ارسال شده بود، به موجب لایحه‌های شماره ۵۵۷۵ـ۱۳۹۱/۱/۲۷ و ۵۵۷۴ـ ۱۳۹۱/۱/۲۶ اعلام کرده است که:

«حتماً عطف به اخطاریه رفع نقص به شماره پرونده ۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰۰۲۵۵۷ ـ ۱۳۹۰/۱۲/۲۳ موضوع کلاسه پرونده ۱۳۷۴/۹۰ شرکت دیبانگار آریا و پیرو لایحه دفاعی این شرکت به شماره ۵۵۷۴ـ ۱۳۹۱/۱/۲۶ موارد ذیل را به استحضار می‌رساند:

۱ـ بخشنامه‌های مورد شکایت خلاف استانداردهای حسابداری و مغایر با بند الف ماده ۹۵ قانون مالیاتهای مستقیم و تبصره ۲ آن و مغایر با معاد ماده ۷ قانون تجارت مصوب اسفند ماه ۱۳۱۱ است و حوزه مالیاتی نمی‌تواند به استناد بخشنامه‌های یاد شده و بند ۲ ماده ۳۰ آیین‌نامه مربوط به تحریر دفاتر قانونی اقدام به رد دفاتر و علی الرأس کردن عملکرد شرکت نماید.

۲ـ بخشنامه شماره ۵۳۸ ـ ۸۹ ـ م موضوع شکایت این شرکت نیست.

با عنایت به موارد مطروح فوق و لایحه دفاعی ارسالی خواهشمند است دستور فرمایید نسبت به ابطال بخشنامه‌های یاد شده اقدام لازم مبذول فرمایند.

همچنین ادارات امور مالیاتی به استناد بخشنامه‌های اعلام شده و اظهارنظر مدیرکل فنی مالیاتی سازمان امور مالیاتی دفاتر قانونی مؤدیانی که پیش‌فاکتورهای ارائه شده به بانک را به لحاظ انجام ندادن خرید در دفاتر ثبت نکرده‌اند به هیأت سه نفره موضوع بند ۳ ماده ۹۷ احاله و هیأت یاد شده نیز دفاتر قانونی را مردود اعلام کرده‌اند و در نتیجه درآمد مشمول مالیات آنها به طریق علی‌الرأس تعیین شده است این موضوع بنا به دلایل ذیل خلاف قانون و مغایر با استانداردهای حسابداری و تضییع‌کننده حقوق مؤدیان مالیاتی است:

۱ـ پیش‌فاکتورهایی که برای استفاده از تسهیلات بانکها ارائه و وام دریافتی ناشی از آن صرف انجام سایر معاملات می‌شود یک رویداد مالی نبوده و پیش‌فاکتوری که منجر به انجام خرید نشده است نباید در دفاتر به عنوان خرید ثبت شود.

ذکر این نکته الزامی است که عمدتاً در سال مالی یاد شده پیش‌فاکتورهای مذکور صرفاً به علت مشکلات نقدینگی و به منظور جلوگیری از پرداخت ۶٪ جرایم تأخیر در پرداخت تسهیلات دریافتی سنوات گذشته به بانک ارائه شده و فقط به موجب پیش‌فاکتورهای یاد شده تسهیلات قبلی تمدید شده و وجه جدیدی از بانک اخذ نشده است.

از سوی دیگر بر اساس مفاهیم نظری گزارش گری مالی که به عنوان یک قانون پایه در تدوین استانداردهای حسابداری ملاک عمل قرار می‌گیرد، به دلیل آن که وجه حاصل از تسهیلات مالی دریافتی در عمل صرف خرید کالای موضوع پیش‌فاکتور نشده است و کالاهای موضوع آن نمی‌تواند به عنوان موجودی کالا در حسابها ثبت شود بلکه در مقابل به لحاظ وصول وجه چک توسط وام گیرنده باید دارایی تحصیل شده ناشی از آن در سرفصل وجه نقد یا حسابهای دریافتنی شناسایی شود که این عمل در حسابهای این شرکت انجام شده است با توجه به مراتب یاد شده ثبت پیش‌فاکتورهای مربوطه به عنوان موجودی کالا خلاف استانداردهای حسابداری و خلاف بند الف ماده ۹۵ قانون مالیاتهای مستقیم و تبصره آن است و حوزه مالیاتی نمی‌تواند دفاتر را به علت غیرقابل رسیدگی بودن اسناد و مدارک به هیأت بند ۳ ماده ۹۷ ارسال نماید.

۲ـ مؤدیان مالیاتی که اقدام به وصول چک تسهیلاتی دریافتی کرده‌اند و آنچه اتفاق افتاده است بر اساس استانداردهای حسابداری در دفاتر ثبت کرده‌اند و این کار با ثبت وجوه حاصل از تسهیلات دریافتی در بدهکار حساب موجودی نقد یا حسابهای دریافتنی صورت می‌پذیرد، بنابراین فعالیت مالی مربوط در دفاتر ثبت شده است وحوزه مالیاتی نمی‌تواند به استناد بند ۲ ماده ۳۰ آیین‌نامه مربوط به روش نگهداری دفاتر و اسناد و مدارک و نحوه ثبت وقایع مالی و چگونگی تنظیم صورتهای مالی نهایی موضوع تبصره ۲ ماده ۹۵ اصلاحی قانون مالیاتها که اشعار به رد دفاتر به دلیل ثبت نشدن یک یا چند فعالیت مالی در دفاتر به شرط احراز دارد دفاتر قانونی را رد نمایند.

۳ـ نظریه مربوط مبنی بر ثبت پیش‌فاکتورهای تسهیلاتی در دفاتر قانونی (دفاتر روزنامه و کل) مغایر با مفاد ماده ۷ قانون تجارت مصوب اسفند ماه ۱۳۱۱ است به موجب این ماده تاجر باید همه روزه مطالبات و دیون و کلیه داد و ستدهای تجاری و معاملات خود را به طور کلی در دفاتر قانونی خود ثبت نماید طبعاً ثبت پیش‌فاکتوری که منجر به ستاندن و ورود کالایی نشده است با ماده ۷ قانون تجارت مغایرت دارد.

۴ـ نظریه فوق علاوه بر وام گیرنده برای صادرکننده پیش‌فاکتور که به دلیل تحقق نیافتن شرایط پیش‌فاکتور آن را در دفاتر خود ثبت نکرده نیز تبعات مالیاتی به دنبال خواهد داشت در صورتی که سازمان امور مالیاتی قائل به صحت نظر خود باشد باید دفاتر صادرکننده پیش‌فاکتور را نیز به بهانه ثبت نشدن پیش‌فاکتور رد کرده است و مالیات آن را به طور علی الرأس تشخیص دهد همچنین باید مالیات ارزش افزوده و جریمه آن را نیز از صادرکننده پیش‌فاکتوری که منجر به فروش (معامله) نشده است را هم دریافت نماید، (عدالت در اجرای بی عدالتی مالیاتی).

۵ ـ عدم ثبت پیش‌فاکتورهای مذکور به تنها به اعتبار دفاتر قانونی خللی وارد نمی‌آورد بلکه وجوه حاصل از دریافت تسهیلات مطابق واقعیت و ثبت آن در دفاتر قانونی خود نشان‌دهنده صحت حسابهای شرکت از منظر مقررات مالیاتی است و سازمان امور مالیاتی کشور و مأموران وکارشناسان آن تنها صالح در بررسی انطباق عملکرد شرکت با مقررات قانون مالیاتهای مستقیم کشور هستند و موارد فوق‌الذکر انطباق کامل عملکرد شرکت با قانون مالیاتها را به درستی به اثبات می‌رساند.

۶ ـ ذکر این نکته ضروری است که این شرکت به منظور رویایی پیش‌فاکتورهای فوق در دفاتر قانونی خود اقدام به ثبت به صورت آماری در دفاتر کرده است. پر واضح است که در شرایط رکود اقتصادی و تحریم و دشواریهایی که شرکتهای ایرانی در انجام فعالیتهای خود در پیش‌رو دارند رد غیرقانونی دفاتر آنان به استناد نظر غیرقانونی و مغایر با استانداردهای حسابداری و تحمیل مالیاتهای هنگفت و غیرعادلانه ناشی از علی الرأس علاوه بر تضییع حقوق مالیاتی نتیجه‌ای جز ایجاد اخلال در نظام اقتصادی کشور به دنبال نخواهد داشت.

لذا استدعا می‌نماید به منظور حمایت از شرکتهای تولیدی صنعتی و احقاق حقوق حقه این شرکت و شرکتهای مشابه دستور فرمایید نسبت به ابطال بخشنامه‌های یاد شده اقدام لازم مبذول فرمایند.»

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی سازمان امور مالیاتی کشور، به موجب لایحه شماره ۲۱۲/۱۴۶۱۰ـ ۱۳۹۱/۴/۲۴ توضیح داده است که:

«سلام علیکم:

در خصوص پرونده کلاسه ۱۳۷۴/۹۰ موضوع دادخواست شرکت دیبانگار آریا مبنی بر ابطال دستورالعملهای ۲۳۲/۲۹۳/۳۰۵۴۵ـ ۱۳۸۸/۳/۱۸ و ۷۰۷۹۳ـ۱۳۸۸/۱۰/۲۹ سازمان متبوع به استحضار می‌رساند:

الف ـ شاکی با ذکر نحوه و جریان رسیدگی به عملکرد مالیاتی سال ۱۳۸۸ خویش و با اشاره به عدم ثبت پیش‌فاکتورهای تسلیمی به سیستم بانکی در حسابهای عملکرد سال مالی یاد شده در سرفصلهای موجودیها یا داراییهای ثابت که منجر به رد دفاتر قانونی شرکت شده و نهایتاً نیز پس از پروسه رسیدگی منجر به قطعیت مالیات عملکرد سال مذکور مؤدی شده، تقاضای ابطال دستورالعملهای فوق‌الاشاره را کرده است حال آن که دستورالعملهای مزبور در خصوص رسیدگی به حساب تسهیلات مالی دریافتی و هزینه سود و کارمزد پرداختی و تسهیم آنهاست و در بند یک دستورالعمل شماره ۲۳۲/۲۹۳/۳۰۵۴۵ـ ۱۳۸۸/۳/۱۸ نیز تأکید شده که «فهرست کامل تسهیلات مالی و دریافتی از اشخاص، بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری به شرح فرم پیوست [دستورالعمل] از مؤدی اخذ گردد» و بنابراین از این حیث دستورالعملهای مورد اعتراض ارتباطی با ثبت یا عدم ثبت پیش‌فاکتور ندارد.

ب ـ در مورد خواسته شاکی دائر بر ابطال دستورالعمل شماره ۲۳۲/۲۹۳/۳۰۵۴۵ـ ۱۳۸۸/۳/۱۸ سازمان متبوع اضافه می‌شود با عنایت به این که موضوع قبلاً در آن هیأت مورد رسیدگی قرار گرفته و منتهی به صدور دادنامه شماره ۵۱۲ الی ۵۱۷ ـ ۱۳۸۹/۱۱/۱۸

شده قضیه از اعتبار امر مختومه برخوردار بوده است و موجبی برای رسیدگی مجدد وجود ندارد.

همچنین در خصوص خواسته دیگر دائر بر ابطال بخشنامه شماره ۷۰۷۹۳ـ ۱۳۸۸/۱۰/۲۹ سازمان متبوع اشعار می‌دارد نظر به این که این بخشنامه جهت رفع ابهام و ایجاد وحدت رویه واحد نسبت به بند ۱۰ دستورالعمل شماره ۲۳۲/۳۹۳/۳۰۵۴۵ـ ۱۳۸۸/۳/۱۸ صادر شده و از سویی بند ۱۰ یاد شده به شرح فوق‌المذکر توسط آن هیأت ابطال شده، بنابراین مفاد این بخشنامه نیز موضوعیت نداشته است و قابلیت اجراء را نخواهد داشت.

ج ـ در خصوص اعتراض شاکی نسبت به تصمیم هیأت موضوع ماده ۲۵۱ مکرر قانون مالیاتهای مستقیم مطروح در شرح خواسته نیز اشعار می‌دارد نظر به اینکه نامه دبیر هیأت یاد شده خطاب به شخص حقوقی خاصی بوده و عمومیت نداشته است و یا عنایت به احصاء حدود صلاحیت و اختیارات هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در ماده ۱۹ قانون دیوان رسیدگی در این خصوص از صلاحیت هیأت عمومی خارج و در صلاحیت شعب دیوان است کما این که شرکت شاکی نیز موضوع یاد شده را علی حده در آن دیوان مطرح و تحت کلاسه ۹۲۰۰۰۰۲۵۵۶ـ۹۰۰۸۹۸۰ درشعبه ۱۴ مفتوح رسیدگی است. علی هذا با عنایت به مطالب مارالذکر به استناد حکم ماده ۳۹ قانون دیوان عدالت اداری رسیدگی و رد دادخواسته مورد استدعاست.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یاد شده با حضور رؤساء، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد، پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء به شرح آینده به صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیأت عمومی

اولاً نظر به این که بند ۱۰ بخشنامه شماره ۲۳۲/۳۹۳/۳۰۵۴۵ـ ۱۳۸۸/۳/۱۸ سازمان امورمالیاتی کشور، پیش از این به موجب رأی شماره ۵۱۳ الی ۵۱۷ـ ۱۳۸۹/۱۱/۱۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال شده است، بنابراین به لحاظ رسیدگی قبلی به موضوع، موجبی برای رسیدگی مجدد و ابطال بند ۱۰ بخشنامه مذکور وجود ندارد.

ثانیاً با توجه به این که به شرح فوق‌المذکر و به موجب رأی شماره ۵۱۳ الی ۵۱۷ـ ۱۳۸۹/۱۱/۱۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، بند ۱۰ بخشنامه شماره ۲۳۲/۳۹۳/۳۰۵۴۵ـ ۱۳۸۸/۳/۱۸ سازمان امور مالیاتی کشور ابطال شده است، بنابراین بخشنامه شماره ۷۰۷۹۳ـ۲۹/۱۰/۱۳۸۸ سازمان امور مالیاتی کشور که در مقام رفع ابهام از بند ۱۰ بخشنامه پیش گفته صادر شده است نیز به تبع ابطال بند ۱۰ بخشنامه و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، ابطال می‌شود.

ثالثاً رسیدگی به خواسته دیگر شاکی، مبنی بر ابطال تصمیم هیأت موضوع ماده ۲۵۱ مکرر قانون مالیاتهای مستقیم، از جمله صلاحیتهای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مصرح در ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، تشخیص نشد و مقرر گردید پرونده جهت رسیدگی به خواسته مذکور به شعبه دیوان عدالت اداری ارجاع شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضائی دیوان عدالت اداری ـ مرتضی علی‌اشراقی